**در میهمانی ملکوت**

باز آمدی به بزم باده نوشان شکیبا که دلارام عاشقان شوی.   
باز آمدی که دل بری و جان بیاوری و نسیم صبح صفا در گیسوی مهرخان بیفکنی.   
چه مهربان یار و چه نیکو انیس و چه زیبا ندیم منی ای اهل غمزه و اغماض، ای ماه بی مثال!   
ندیم بدی بودم و ندیده انگاشتی و باز به سراغم آمدی!   
دوباره مرا به میهمانی ملکوت می خوانی و شرم، زبان اجابتم بسته است و بغض حسرت از گذشته ی خویش، راه رهایی از نای بی نوایی ام می کاود.   
جفا کردم، از تو وفا دیدم.   
دیده به رویت بستم و ابواب عفو به رویم گشودی و عاشقانه سفیر رحمت دلدارمان شدی.   
اشک انابه و لهیب دل و التهاب نگاهم ببین و ببخشای و سلام صمیم مرا دوباره پذیر و نامه ی ضیافت از من دریغ مدار!   
تو رسول نگار و عشوه ی عرش و کرشمه ی احسان حبیب من و بشارت عنایت اویی.  
ای ماه دلارای صائمان، رمضان!  
به سراچه ی قلب غریبم خوش آمدی!   
مهجوری من از راه فائزین قدر، حرمان هماره من است و دلجویی تو می جویم.   
سحرت را دوست می دارم و هلالت بسان ابروی یار است و شبانگاهت عطر نیایش مولادارد.   
عطش تو عاشورایی است و صیام، میثاق ما با قیام یاران نینواست.   
غروب تو، طلوع فرحت ایمانیان است و خرسندی دوست؛ و طلوعت غروب رذیلت و ریمنی در آفاق انفاس روزه دار.   
رمضان، ای موسم غفران و غوغای عفو!   
تو ضیافت جمع علی جویان و محفل انس عاشقان مولایی!  
عطشناکی ما در رؤیت هلال تو، عطش دیدار امیر عدل و عاطفه، علی (ع) است.   
نکهت ولایت از لحظه های آسمانی تو می خیزد و جان را به جنان والیان می خوانی.   
عجبا از این ضیافت عظما و محفل زیبا و نشور بی همتا!  
اینک آیا بانگ چاووش رحمت را می شنوی؟   
مباد از کاروان نیایشگران و نمازگزاران و سخا صفتان جدا افتی و ندیم حرمان و حسرت شوی.   
در ماه مهرورزان و در ساحل زیبای ایمانیان، آماده ی آن شو که تن به دریای ناپیدا کرانه ی قدر بسپاری و همپای طاهران در وادی فطر پا گذاری و آنگاه به مدینة الایثار عاشورا رسی.  
پروردگارا!   
صیام و افطار و سحر و نیایش و نماز و قنوت و سجود و رکوع مان، بهانه ی تماشای یک نگاه ناز توست؛ دریغ مان مدار. تشنه ی آب و گرسنه ی طعام نیستیم.   
ما تشنه دیدار توییم ای نور زمین و سماوات!   
سیه روییم و در سپیدی بحر عنایت خویش، غسیل مان کن و با دلی پاکیزه بر خوان ضیافت رمضان، اذن جلوس مان ده.  
شکرا که انتظاری تلخ به سرآمد و وصل شیرین یار، حاصل شد.   
اینک سپیده، غالیه دان عطر نیایش می شود.   
عطش رمضان، تذکار عطش عاشوراست.   
لب های خشک روزه داران، حسین (ع) را زمزمه می کنند.   
تلظی کام تشنگان، شوق وصال دریای ایثار اباالفضل (ع) در ساحل ارادت است.   
رمضان، مقدمه ی محرم است.   
قدر، دروازه ی شهر نینواست.   
صیام، طلیعه ی قیام است و صائمین، طلایه داران سپاه قائم آل یاسین (عج).  
در بهار وصل سالکانیم و توفیق حضوری دوباره در حلقه ی صالحان و دلدادگان دلارام یافته ایم و این شایان شکر در آستان خالق است.   
دل هایمان را فرش راه یار می کنیم و با سوز عاشقانه و ترنم واژه های زلال وحی، قدوم بهار یاران و فصل وصل بهاری دلان را خوشامد می گوییم.   
در ماه قربت و غفران، حجاب های ظلمت و نور، زدوده شده، جمال بی مثال نگار در رواق دیدگان دلدادگان، هویدا خواهد شد. بیایید حضورمان در میهمانی خدا را باور کنیم، غبار خود از خود بروبیم و در جریده ی رمضان ثبت نام کنیم.   
یاران رمضان و یاوران عاشورا!   
گوارایتان باد خوشگواری ضیافت نور.   
ای میهمانان ملکوت! التماس دعا.

منبع: سایت leader.ir